



مذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز چهارشنبه (۲۹) فروردین ماه ۱۳۴۵

فهرست مطالب

۱- راجع به متمم بودجه سال ۱۳۴۴ کل کشور.
۲- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل -
۲- ارائه مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه

مجلس ساعت نه صبح بریاست آقای مهندس عبدالله ریاضی تشکیل گردید

غائبین مریض - آقایان :

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.

مهندس آراسته - احتشامی - جهانگیری - دکتر
حسینی - دیبوم - رجائی - روستا - مهندس زنجبانی -
سینی - شکیا - صفریور - طباطبائی - دکتر فریود -
نوادوند - قیعلی - دکتر قراقرلو - کلاتر هرمزی -
دکتر سین - مید - صفوی نائینی - دکتر موتهی -
موقر - نسیری - سرلشکر همایونی - بانوتیسی

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین بلاجله - آقایان:

۲- مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه راجع
بمتمم بودجه ۱۳۴۴ کل کشور

مهندس آصفی - آموزگار - دکتر اسدی - دکتر
اسفندیاری - دکتر المونی - اولیاء - مختار بختیارپناه -
دکتر بقائی یزدی - جنود - مهندس جلالی نوری -
حافظی - دکتر حاتم - دکتر خطیبی - دکتر رشتی -
مهندس صدقیانی - دکتر شیالی - مهندس - طغری -
کشفی - کمالوند - مهندس مالک - مبارکی - مهندس
مجتهدی - محدث زاده - دکتر صباح زاده - باود کتر
دولتشاهی

رئیس - وارد دستور میشود و دنبال مذاکره میبحث
درباره لایحه متمم بودجه سال ۴۴ مطرح است آقای خواجهنوری
فرماتید

غائبین بی اجله - آقایان :

خواجهنوری - با اجازة مقام ریاست اینجانب
مطالبی داشتم که میخواستم عرض مجلس شورای ملی

زدگر زاده - دکتر گانگی

است بنده را هم در همین زمینه است و ما هر چه سمره
 کوشش داریم باید صرف این کنیم که بزودا جوانانمان
 را آماده کنیم هر کارهای ضرر آست و شرعیست و
 پس اقتضای و نسبتاً سه آنها تسلیمات نمی
 آرد و ما بدینجه که ما مثل و زبانت بسروند
 و به این نسیان ابرامه دهند (صحیح است) بنده یک
 مورد دیگر از متذخرات خود را برای امتیاز می کنم
 یک روز رفته بودم یکی از همین درویشانهای کفالی
 دهانت در شمشک درس شری میخواند حتی بود اربعه به
 الکترونی که روز دوسم که همین نمک طعام باشد نوشته
 بود الکترونی که روز دوسم بود کوشش که تصنیف بود
 می طلب را در کتاب توضیح داده بود. از آن جنبه
 بر میآید الکترونی که هم در آنچه خود می خواند و دریم
 نمی تواند جواب دهد. یک مگر این است که در وقت
 صومعه نیست یک کله - یک پشم و زگی سواد آن گرفته
 میشود این گروه بنده بود. و چه نسیان جواب دهد
 از مجلس بر سر همه ملش هم نمی توانست جواب میدهد
 میخواهم ببینم که بگو گفتن چندین طوطی است
 به چه درد میآید. (چندین طوطی است) با کمال
 هیچ در داد پس نسیان که عرض کردم باید دنبال
 منس مریه. بعد از آن یک که اگر میخواست با طوطی
 فراموش کند. اگر حرف میزد باید بلکه برای بناد
 حرف می شنید آن حرف را با یکبار بیرون داد مثل
 دیگری گفتند و تذکراتی بدولت داده شد مبنای
 که در ابتدا تذکره داد و به مملکت رفتی مضمود
 دولت اشاره کردم. باید گفت که مملکت انسانی دولت
 هم مضمود است خود ما همیشه می نایم که دولت از لحاظ
 کلام اداری با وجود اینکه تعداد کارشناس زیاد است
 لیکن متأسفانه از اداری بنده آند این تفکیکات
 اداری رعایت نکند امولی نتمه است و الباقی باید گفت
 مسئول این امر دولت امروز نیست این دستگاه عظیمی
 که الان مبنای دستگاه اداری در این مملکت هست
 آلوده و یک باید که برین انقلاب را در آن کرده است و
 آلوده یک باید با قوانینی را با تصویب این کنه بود

دولت مدیعه که اجرا است دستوراتی که دولت میدهد
 اجرا نمیشود ولی این قضایای که میگوید مفسدکاری
 مردم با دولت و بیرون کار مردم بسروند قروض در
 اینجا آشکار میشود یکی از وظایف اصلی ما بنده میسر
 که ناشفته آرزوهای در شرایطی قبل از بنده تکرار
 فرمودند همین حسرت است که ما نمانند گمان مجلس
 باید در حوزههای امتیازیه مانع بوجود میآورد
 به تنها باید برویم و احتیاجات مردم را با ندادت
 کنیم و به دولت تذکره کنیم در حوزههای
 امتیازیه مانع باشد مثل مانده یک آدمی که خودش
 میخواهد تمام خرجهای اقتصادی و اجتماعی آن حوزه را
 بپردازد نسیان در مردم با مردم پشتیبانی فکر کنه
 صحیح را بر مردم ارائه بدهیم و آنها را مشکل در اجرای
 این نسیان و این نسیان کنیم مردم هم بدست
 مردم این نیست که دولت پولی را در خزانه جمع میکند
 بیارند دست ما که ما بروم بوسیله مردم در نظر متوقف
 این مملکت بسرف برسانم ما ملزم هستیم که در حوزه
 امتیازیه خودمان این تفکیکاتی را که قانون پیش بینی
 کرده بوجود میآوریم آن بود و اختیاراتی را که قانون
 پیش بینی کرده و ادار کنیم که در اختیار این تفکیکات
 گذارده شود ولیکن همان است که قانونگذار باین
 تفکیکات داده و باید برویم که این تفکیکات باید
 بسهم خودمان جنب و جوش داشته باشند و در آمعنائی
 حاصل میکنند و من حیث المجموع در آمد حاصل از زمین
 و چو که قرضه تمام جزا برداری که با سرف میروند وقت بسرف
 واقعی نظیر این تفکیکات بسرف بطور متوال بنده را چه به
 اینجهای بهاری. بخوام عرض کنه اینجهای بهاری که
 بناد کنه بسرف میفیدی است برای اینجهای بنده که در
 آفای کبیری. بسرف اجرا نگذاریم اینجهای بهاری را
 امکان دارد بکنه اینجهای بهاری خودی از خزانه خود
 کلام بگیرد دوم اینکه سدی به در آمد ضرر داری محل
 را بگیرد و این خود اینجهای بهاری مطابق قانون
 اجازه دارد که در آمعنائی هم در عمل برای امور دما
 حاصل میکند این در آمدها را بطور ترتیب میجوید حاصل کرد

یک تریبون این است که از امتیاز شمنکن باز امتیاز
 خبر طلب کند خود ترتیب دیگری است این است که
 امتیازیه که به این دستگاه مراجعه میکنند و
 از این دستگاهها برای دروسان خودشان
 میخواهند استفاده کنند که حائلی وجهی هم بر دانه
 بنده شخصاً دوسه مورد دستگاههای درانی که در همین
 ناحیه لوانسان بوجود آورده بودیم قریباً ابرامه گفتند قریب
 باشد بنده اینجهای بهاری لیکن برای حالتی هم نمانند
 در اولنا بعضی بگیرند در صورتی میدهند و این پولها
 تحت نظر خاص هیئت امنای آن محل صرف میشود که
 دروهای گران قریب که در مقام کار و با سایر دروهای
 وزارت بهاری نیست باید بر اینجهای بهاری در نظر
 بسرف برسانند. گفتند این است نسیان میروند بنده
 مردم به اینکه ما بگوئیم بیای خود مردم هم کمالات
 بیاید چه بعد و ما هم یکم اگر مقصود این بود که
 خود دولت اینکار را بسرف داشته باشد که در اینجا بنده
 است که مسلمانان مثل آنده و اینجهای بهاری که باین
 ترتیب امتیاز میشود با بعضی نظر و قریب تریبون این
 و همرا خری میکند و بسرف واقعی میرسانند و همیشه
 تابع تکوینی و قریب تری از فعالیت خودشان حاصل میکنند
 اینهم البته نتیجه دیگری است که از این اقدام
 ستونیم بگیریم به اینجهای بهاری اینجهای بهاری که
 ستونیم عملی از آنها آن دوره نخستان مدهای
 (باید) به یک معنای منتهی ششام) و با یک معنای
 منتهی ششام علاوه بر آن در هر ای ادارای اینجهای بهاری
 بستند ولیکن بنده می توانم این مرتبه بطور قطعی به
 مجلس شورای ملی بگویم که در وقت هر بدام قسم است
 در آمد و وقت اینجهای بهاری که در موهجایی فراهم
 کرد که اینجهای بهاری واقعی در هر جا منتیاب شوند و
 توافق قانونی خودشان را انجام بدهند این اینجهای
 بهاری اگر امتیاز از امتیاز صحیح مال و امتیاز طیفه
 ششامی تفکیک شود امتیاز بر غرض اینجهای بهاری که
 کشاورزی را دولت خود ترتیب مقام کارگر و کشاورز یک
 مقام اجرایی است ولیکن یک طلب ابرامه باید گفت

که امتیاز هم هسته که کارگر خود بود و کماتور هم بود
 ولیکن امتیاز این است که در تمام دوران سران تمام
 کارگر عادی خدمت کرده اند و هم به کشاورز (صحیح
 است) پس از خدمت اینگونه امتیاز هم نباید نافذ بود
 (صحیح است) اگر تکرار کارگر و کشاورز است و اینکه ما
 بخواهیم خدای نکرده وجهی ششامی از طرف مریه قریب ایجاد
 کنیم ما بگوئیم که منحصراً از طرفه کارگر و کشاورز
 باشد منحصراً بگوئیم که این امتیاز منحصراً مرفعی است
 باشند خود این برخلاف ذکر این واقعی حالت مایند
 دولت این بلیت که بیتر مردم این امتیاز نتمه عالی هم
 از تریبون مریه (احتمالاً باید گفتی جراحی منجرانه
 تمام اصل های گفته و اجرائی کنیم وزم بنده کنیم
 و بگریه کنیم که باید اطلاع ما از هر نوع
 آلودگی زمین صون باشد این مملکت بطور صحیح
 بتواند مرفعی خودی را بسایه (صحیح) وصل دروفا
 نسیان در دستان را بر ما اصلاح فتنه کار آفای
 بسرف که در مدهای اینجهای بهاری در مدهای بهاری
 (یکم) از نمانند گمان - وصل دران گفتند با وصل دران
 و امروز کسی نسیان بران عادت برای حفظ منافع
 با مشکل حاضر میشود از مردم مراد خودشان بیانه
 بنده ولیکن خوشبختانه امروز در مملکت ما قوانین
 علاوه بر این وضع شده امروز در مملکت کلام عدالت
 هر کس و هر چه را میگوید که حرفهای میکند (صحیح است)
 و امروز کسی نسیان بران عادت برای حفظ منافع
 خودی فعالیت کند هر نوع حالتی در این جهت باشد
 محکوم است (صحیح است) امکان است این مجازه طول
 باشد خود مریه در روز امتیازیه بود و چند ده چارشم
 و مبارزه کردم با کشاورز سرف هم مبارزه کردم آفای
 منتهی شدی بنده گفتند که در حدود اصلاحات
 ارضی هم که در مملکت امتیاز حائلی در لوانسان سرف
 یکم و اقتضای یکم که این طیفه قانونی و نمانند کسی
 خودی اینجهای بهاری داده هم ششامین طیفه را در برابر
 مملکت ایجاد میجوید و ایجاد آفای ذکر جری دستگاهها
 با بیشتر میکنند و طیفه ابرامه است که احتیاج به خدمت ما

و شما باشد) شبان آقاي جنوري در ايشان عرض كردم كه
 دوادوش است كه طرفدار اين افكار است و دلش دوستي
 است: كه ميخواهد اين افكار است اصح است بلكه حاضر
 كه عرض كردم و همه اعتراف دارند اين است كه همه جا
 باور نيوكند و اعتقاد بكنند هنوز و سنگماندني ماه هجرت
 باور نرزشكر نشمامت است مانند باور باق هكلوي بكنيم
 تا اينكه اين نرزشكر در ايشان ضح بگيرد و قوه ي شوخ
 (پاينده - مسكن است دكرين را در كوه مودنه ترجمه
 بخرامايش) كه سفيه (فراچود لو آقاي پاينده كاييكه
 جلوي شماست فرانسه است) چنانچه آقا پاينده است
 استاد زبان فرانسه عربي هستد وليكن فكر ميكنم
 ديگر بيا و خورايشان بنديان بدر در حالتان در روزنامه
 نوشته اند (فراچود - اين بنديان خود ايشان گفته اند)
 خورايشان هم چنين باره در ايشان موصوفه و احوال جماعي مي
 ايشان هم مانند استاد گرامون وليكن مطلق كه در خصوص
 ايشان هاي شهر ميخوايست عرض كنم بسوي دولت
 اين نيست كه ايشان ميخوايست در شهر دست بزنند و
 مرگي در داز بكنند و بگويند دولت مرگي بپايد اين
 عوارض دروازشي كه لوفسان آن عوارض كوشه شمامت
 در گرفت و وصول بكنند و همسرا زياتي بكنند و بچند
 و باخيال راحت آن وجه سوال اوسول را مطالعه بكنند
 بسرف برساند اولانده عرض بكنيم كه گرفتن كوه
 جوارنگي ايشان اعالي شمامت و بسرف رساندن
 آن در شهرها بسن ساز بر خلاف
 اصول كلي مملكت داري است هر كس از هر سرورسي
 استفاده ميگردد به خرج آن سرورسي رايدهد اين بسويست
 كه بيقتر مخالف بوجود آمده است كه جدمعالي را
 بوجود ميآورد كه خود استفاده كنند كن عموم مردم
 دهند باج را بدهند و با پول اين حق المهوره سرمايه
 گذاري كه در اين راه شده است متعلق ميشود اگر اين
 طرف زانگن را در باره خيلي اكره هاي خودمان اجن ابتيك
 و اظهار داشته بطلبم كه من اوسول دار از جاده درجه
 يك استفاده بكنم و خرج ساختن آن جاده را بيزرني
 بدهم كه وچاي ميشورد و اگر اين طرف طرفه اصلاح

بكنيم و بگويم هر كس ميتا سي كه لزوما اين مسلك
 استفاده ميكند هر كس بنفاس مسكنات اين مسلك
 استفاده ميكنند بول بدهد بوقت يك مقدار زيادي خزانه
 دولت را بر اين مسلكت فارغ ميشود و يك مقدار زيادي
 نگراني عموم مسلك با سرعت بيتر و بطور مؤثر تر
 انجام مي پذيرد و اين ايشان هست كه ايشان ميخوايست
 باه بپيئيند كه احتياجات اين شهر چيست و مسلكت اين
 شهر چيست و با فرغ احوال آن شهر برانده برزود در آمد
 ييش بيتر بكنند در آمدش را حاصل بكنم و به تناس
 كوشش كه خوش ميكنند در آمد نفت كه متعلق شمام
 ملت ايران است و در مسلمان برهه و اثر آرد آمده
 ديگر كه خزانه باز در اختيار اين ايشان بگردد
 است و مسلكت مزبور اين ايشان هم كه به يك مقدار
 بهتر است و وجود اين ايشان هم كه به يك مقدار
 بهتر است و اداره كند خليفه اين ايشان مي شود كمتن
 اين شهر اولان ميتهد كه چه كاهي ايرتوشن كوي
 گرفتارند رقم برقي ميتهد كه چترفي اخرا اهراري
 كرا باق مسلمان برهه در آمد نفت براي آن عوارض
 خرج شده است و در ضمن مسلكت و وصول اوسول
 و حاجات هم كرا سي بست و قوه خودشان يك مقدار
 عوارض وضع و وصول كرده به مسلكان و گرفتارهاي
 دولت هم بي ميزان ايجاست فن اداره كردن مملكت
 مطابق اصول دولت كرا سي * دو كراسي و ا. م آقاي
 پاينده چتره است (پاينده - حكومت مردم بمرود
 فرمايند چتره است) فرمايند براي شامه دو كراسي است
 منيش معلوم است دو كراسي منيش عين مجلس است
 (پاينده - ييش حكومت مردم بمرود) اجنت اگرم
 ميخوايم اين اصول در اين مملكت روز روز ملت بشنيزي
 و محكم تر از گذشته بشود بايد كاري بكنيم كه مردم
 چنينده كه دولت به افعال اين كند و آنچه راهي ميگردد
 بچتره ترتيب يولي فراهم ميگردد و براي چه بسرف مي-
 رساند و با عملی است كه دولت ما بفعال هست و آن
 عملی است كه ايشان گزارش گذاري آقاي مرقصوي
 باره است صحت گرفته اعيان داده است و رفتار داده است
 كه ما چه كراهي گرامون و چه چه راهي در سال آينده

ميخوايم بكنيم منيش همان بوجه برنامماست كه
 با اطلاع مجلس و تصويب اين مجلس رسيد است (دكر
 حكيومت شوري سدي آقاي خواجه نوري كلمه گذاري را
 اصلاح بخرامايش بلكه لغت زباني بكار ميبرد) كذا لغت
 بليست (دكر حكيومت شوري - گزارش چلسي)
 بله كوتاه است و اما چنانچه آقاي رايبه در كراي ايشان
 به صالحيت اخصاصي اين مملكت و فائدي كه در اين
 قسمت وجود دارد داده كه بنده باز ميخوايم عرض
 كه اگر ما در باره جلب سايلان خورج اطلوركه
 آخر پهلواني ماست حق است بطوركه تاريخ ماست حق
 است اطلوركه و زياتي هاي مسلك موجب مي شود
 مي توانيم ايمور را بشيخ و ارباب جلب كند خورايشان
 تناسب و دكرتوريشان مگر زياتي غير طبيعي هم
 هست (زياتي غير طبيعي هم هست و آن زياتي است كه
 آسيب دارا به خورجش بوجود مي آورد) ما ميخوايم
 از تمام اين مواهب براي جلب سايلان استفاده كند البته
 دولت وطني دارد، دولت وطنه دارد، دولت جلد هاي
 دولت باند قورج سبزه گهايي سبزه بوجود ميآورد بسورين
 كرك و ولسر مورد بجد كه بنسايان كماروملك
 مي شود با اوب و ترا كه رفتار كند وليكن آنچه كه
 مربوط برهمنش ميگفت است مربوط بايست است كه از
 اينكار تجارت بشود و جلب منفعت شود اين دولت
 نيواند بكنند مردم بايد خراي هاي خود بسازند مردم
 بايد در كارهاي مختلف مربوط به جلب سايلان سرمايه -
 گذاري كند سرورسي هاي ائوسراري خوب بوجود
 ميآورد راضعهاي خوب ترتيب بكنند كرات پستالهاي
 خوب چاپ بكنند و بفروشد ايشان كه است كه اگر
 دولت بكند خورج ارباب است براي ايشان ايمورسيله
 ارزقار عملاي كرده است و ايشان خراي است
 كه ما بايد در حوزهاي ايشان اعيان راضعهاي كسي جنب
 آقاي شمشيدان ايشان شامسي است از اطلال سايلان
 اين ايشان شامه كره در دخاني است وليكن ايشان كه
 ايشان راضع خوب است فرود كه دارد آقا پهلواني به
 آن زياتي دارد بشيخ نيزنده است ايشان كه ازانسانه گان
 حقل خورايش وليكن حقلهاي نادره بازلن ايشان بنده
 اطلاع دارم براه معالي حاضر هستد بطور دست بيست
 وسياح ميآورد و به ايشان و خيرا زي بيرونه و نيكين بواسطه
 نمودن امكانات در حين بوشه شيراز ايشان ميتوانند
 چنين كراهي را بكنند اين سرمايه گذاري را دولت
 بكند ضمن حقل جلب سايلان كسي مي شود و بايد دولت
 از اير ميگردد كه در ايراي كيب ميآورد و حوق ميآورد
 كه بار بگيرد چون دولت كراش اين نيست با همز در يك
 در جود و در جرمي ايراي حوق بول براي عروج در آمدني
 براي عروج امكانات و در شهر هاي مختلف بسورين شهر
 طايك جنيتهر عوارض و كوتاهي راه رسيله سرمايه ايران
 حلال شهر با كده هاي ايشان كه دولت شامه خورج ايشان
 و در كده هاي ايشان به خصوص مسانج مستوفه
 عام از اين جلب سايلان كند مردم كراي هر كراي
 فرقت بكار و سايلان كرا حاليه ايشان مملكت را ببايست
 و جلب آقاي بيلدياري اصلاح اين فن نهايت زحمت را
 كشيده است (اصح است) جلب بايد كاري بكنيم كه اين
 هنرمندان را باين استفاده كند نوري اين مملكت با اين علاقه
 كاز ميگندند و با اين كه درآمد شرعي داشته باشند و
 بهترين منبع درآمد ايشان است اين ايشان قيس ايشان
 باياد كه در سايلان خورجش بفروشد خرايهاي ايشان
 همه از اين قبيل است در هر يك از حوزهايشامه امكانات
 فضالت هاي اخصاصي با توجه آب و هوا با توجه
 به امكانات محلي مقاربان است و علت
 اينكه ما ميگوييم برانده بري بايد منهد در سطح
 اشاهها بشود براي ايشان هست كه اين امكانات و ايشان
 احتياجات در هر ايشان مرسي بشود و با توجه به اين
 امكانات احتياجات اين راهها بوق ايران گداره
 بشود در كراي جلب آقاي شير عزمي كراي ميدانند
 كه كند هست و بجايلت بشود يك منبع بزرگه در آمد
 است (دكر الكوني) در رفسنجان) وليكن در هلال

که باید آنچه به هم زیاد است مشکلات که دولت دارد اگر کمیو زیادتر است و دیگران چیزی زیاد است همین دلیل است که منته از این فرصت استفاده کرده و نموده نمایندگان محترم را به این نکته جلب کرده که برای به نفع رساندن این اقتضای عظیم ما هر باید با دولت همکاری کنیم تمام این اوقات و وقایف خودمان را درخوشه های انجمنی من انصاف هر چه شد که در هر مورد اصلاح تشکیلات اداریش در جهت ایجاد حساسیتکی فعالیت بین نمایندگان مجلس و مأمورین دولت در شهرستانهاست تا معلوم شود و بزرگم نظر کار او خواننده کرد امر سیاستمداران که تشکیل میشود در تهران منته درخوشست این بود که توجه بشود در این مورد استظهار و فرط ادراک آن و مأمورین عالیتر و بیگرمی که بجهان می آید و تطبیق دولت را می گیرند توجه داده بشود که نماینده دوره نیست و دیگر نماینده نیست که برای مطلق شخصی خوش به حوزه اختیاراتش برود (صحیح است) نماینده ای نیست که از او چه و آنچه شایع و با از راه عوام فریبی بخواهد که با او همکاری بکنند نماینده ای است که در حوزة اختیاراتش لیاک بر می رود نماینده ای است که حاضر است چندین کیلومتر پیاده راه برود برای اینکه خط سیر محلی جنده را با مأمورین وزارت دار و کتان بدیده نماینده ای است که حاضر است در راه برای اینکه انجمنی است که در خط سیر محلی و اصولی در آن دعوات تشکیل میدهد بخشد (صحیح است) نماینده ای است که می رود برای اینکه برود طرفدار کرده هیچ را میبازد از وجود این نمایندگان مأمورین در کشایند حد اکثر استفاده میکنند و بداند که اگر ما این کارها را میکنیم اولاً برای این است که امر ممانعت را از مطلقاً کنیم (صحیح است) و ثانیاً برای این است که وظیفه قانونی خود نماینده که این اعمال را انجام میدهد را که حدی است بجهت تمام این تطبیق بشود که نتواند با این ابعاد عمل خود را با اصلاح کند یا بجهت بر این دولت است که این نماینده را با اصلاح کند یا از کار ختمت دروازند وقت مجلس را شده از یاد رفت

و دیگر آنچه که گفته شد مطلق بود که مدتها میخواست هر کم و منقصاً این ممالک را میخواستیم هم به اطلاع نمایندگان دولت وهم به اطلاع حکامان محترم خود رسانیم و امیدوار هستیم که موجب نوازشتی نفعه باشیم (احسن است)

رئیس - آقای مستدری فرمائید.

مستدری - منته قبل از آنکه بفرمایم از شروع کننم از بهیادمان به مشاعر است محض بود و نمایندگان گرامی مجلس شورای ملی برانهم که حاضرند که ازینو تشکیل مجلس نیست و یکم فاعل با ثبوت رسیده است نه بشکسته هیچک از نمایندگان مجلس اگر انتقاد میکنند نظر خاص نشاندند و نماندند و صرفاً روی حفظ منافع رسمی ملتک بودیم (صحیح است) خوشبختانه کشور ایران دارای قانده توانا و بیخبری است که با سرعت بسیار عجیب پیغمبر و و کراهی مثبت و تخریبی در این مملکت میشود که در باره انجمنی بکنند است و در برابر مملکت باخارج از مملکت به هیچ مجالتی باقی نمانده میشود و صرفی باقی نماند و نماند و ممالی همی خیات بکند داده نموده اند بنابر این چون مادارای دهر خلیفتی توانائی هستیم مرتباً به پیش میرویم (صحیح است) و تا زمانی که بر یوم انقلابی در پیش شخص انجمن حضرت مهابون نشاندند است ما هر کدام از نمایندگان موقوفه و مکلف هستیم بپردازیم و در هر مرتبه خود نماندند چنانچه از آن و آنچه که بر طرفان محترم مثبت نامی اعمالی اخلاق صالح مملکت دیدیم بر نفس برسانیم و اگر چنین کاری را نکنیم به نفعش به مملکت به ملتبه خودمان وحش بخواند خودمان خیات کرده ایم (صحیح است) خائونده (بله) به خودمان به خیرات گرفتار ایم (صحیح است) اگر ما امروزه خایانان را نکنیم به فرزند خودمان هم خیات کرد نام از طرف دیگر اگر مملکت به محلول میبود و پیشتر قناتی میبندند دلیل نبود که اگر اخلاص را بدینسان اشتباهی مرتکبیم آنها را نماندیم بنده همینطور که در هفتک شکستگار عالی مشی که در مملکت و در استان اشخاص مورت کرده می بینانجا عرض کرده

آن هم بفرماید نمایندگان که بشنوند و رسیده است اطلاع بنده رسیده عرض برسانم (احسن است) باشد کمبود توجه فراتر نگردد و در هر چه آنها اتفاقاً بکنند (صحیح است) جریاناتی در سازمان برانهم وجود دارد که اگر بخواهد پیوسته نتواند باشد در آنچه امری بدینسانست شوم چون نمایندگان که دیگر حدود داشته باشد و این موضوع و مسائل دیگری که کنیم بگر از این کار که این است که سازمان برانهم وقت میبوهد بشک و خدایان را شروع کند بشک و خدایان را بیسانگران را اتحاد و دعوت میبندد به آنها ابرای اعتراض میبندد بیسانگران میروند و پیشنها میبندد و از آنرا برای هر که در مضافه میبندد باکند پیشنها مضافه باز میشود درسی میبندد و میبندد مشاوره میبوهد برنده منصفه یعنی آنکی که حاکم حداقل قست شده باید کار کند ببلان بیسانگر دیگر بجهت شاید این نمایندگان که فراتر میبندد کار را انجام بدهد خبر خود با خود با چه نام باشد میبندد چون تقصیر کرده وقت استخراقت است بکار میبندد تا غالباً چند میلیون نواختن ظلمت قیام میبندد شایسته اینکار همگروا که با طریق شورای عالی سازمان برانهم میبندد و شایهم انجمنی شور و انالی داده باشد که چنین تئوری را میبندد ولی این نوع معاملات صلاح مملکت نیست ، مضافاتالی که در مملکت است میبندد با خود با از مزیت خویش شهادت می در ذات آرزوی زیوریت میشود با جعای دیگر صورت میبندد اینها غالباً از متری ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان تمام میشود ولی در سازمان برانهم حداقل قیست مضافاتالی متر مکعب از ۳۵۰ تا ۴۰۰۰ تومان تمام میشود (این موضوع از جانب آقای نخستوزیر مسأله اطلاع بخوانند این گفتنی خوانند است این مثال برینند شاید جرات دولت هم اطلاع نیست چون شورای عالی سازمان برانهم اختیار داده شده و بنشینند مشاور و این عملی است که بدست بنشینند مشاور صورت میگیرد . اگر این نمایندگان که فلا اشتغال و دعوت کرده اند مبالغ است چرا پیشنها اورد این میبندد و اگر سابق نیست چرا دعوت میکنند و از آن مضافات

به او میدهند و این قیستهای او برین و برینهای سازمانه بسیار چه کسانی میروند از دکتر زهنوردی . بسبب ... غیر مهندس مشاور) سعید است ... مهندس مهندس مشاور آفرین در کز زهنوردی حکم (منته نمایندگان) بنده از جانب آقای نخستوزیر که در این دستکده ریاست شوابالی دارند در نفاذ میبندد است و این موضوع و مسائل دیگری که شایسته جریان دارد خود توجه فرمائید ملاحظه بنشینم باک کمتری در سازمان برانهم کارش داده که در مطلقه لاری ۵ میلیون تومان سوء استفاده شده و مواج را حواصت با برسدگی و اعلام تشبه نماید میبندد ببلر چه جوابی دادند و بیخود استناده شد و امری مداخله کرد و اینها را در صلاحیت ما نبوده لذا بخدمت شما خانه داده میشود (کافکر) تشدید با حقیقت دارد (صحیح است) من ششیدم و بقرول است تا امروز مملکت این موضوع را بدست نمیبراند خواهش میبندم حقیقتاً قانده نخستوزیر نیست به این موضوع عطف توجه خود میبندد فرمائید و جلوی این ضم باطلان و این غیر شرط و حقیقه و میبندد بگیرند مطلب دیگر موضوع در آمد عاقلی و اختصالی هر بنده ای اختصالی سخن در نگاه است در ضمنی از دستگاهی وابسته به وزارت آرمه ای اختصالی دارند که قانوناً نباید اینگونه در آمدنا بخوانند و دولت بخدمت خود در صورتیکه بسنی از این دستگاه در آمد ذخیره را نگه میبندد و بخوانند دولت میبندد و اگر با آنجا خزانهم برانهم در تصرف این وجوه و اشیای مثل نیامده است (ذکر مهندس - قانون اجازه داده است) اگر يك قانون در گفتمت از مجلس گفته باشد و ثابت شود که این قانون غلط است و بشر مملکت است . باید ادامه پیدا کند آن ذکر مهندس - حتی در بودجه کل کشور در آمد و نفعی نه این پولها هیچکدام مستقر نگردد و بدینصاحه وزارت دارائی جنبه اقتدار کشور آزاد میبندد من بختنامی اینان دارم و جانشانی را باین از قیافه های درختان این کشوره و این مملکت میبندم انجمنی را به پیگیری این مکتبه فرمائید و بسنم بنامش جنابا نیست عملی است که در گذشته بوده حلال هم جرات ندارد

بلاز مالت. همه افاضات و تصرفات را هم که میشود از شخص اول ملک داشت باید ایشان هم به امور یک ملک ۲۵ میلیون وسایت جهانی را برسد ما که نمی توانیم برای هر کار جزئی به اعلیحضرت عیالونی مراجعه کنیم (صحیح است) ملکات و دستگامهای ما دستگام اداری ملک احتیاج به شورای عالی دولتی دارد در چند سال قبل در کابینه جناب آقای دکتر اقبال قانون تشکیل شورای عالی دولتی تصویب شد. هیچ یک از دولتها تا کنون در تشکیل این شورا اقدام نکرده اند (صحیح است) چرا نکرده اند عظمی چیست؟ (دکتر مهدی - نه کیسیون مشترک سیلین قسمت ریسی که تشکیل کارپردازان شورای عالی اداری دارد گویا مشورتهای شورای عالی است) شورای عالی دولتی برای هر یک از این شورا برای این ملک کمال ضرورت دارد و دستگامهای آقای نسیونزی که همیشه می میکنند در زمان سلطنت خورشید که می توانست یکی یادگار بگفتند خلفا دارم در ایام این خلفا و این قانون صوب اقدام کند بلندی که بگردد و کابینه جناب آقای عیویدم این کار امسک صورت گرفت (چند نفر از نمایندگان خلیج کاهای لایزال برایم گرفته) ایشان عرض فرمایند عیویدم که کیسوم که این کار امسک صورت بگیرد دلایل این نیست که کاری انجام گرفته باشد هر اول می شود؟ یکی از امسک که تا حال مورد توجه قرار نگرفته می شود موضوع بلذنتگان کنونی است (است) آقایان اطلاع دارید که کنور ۶۰۰۰ ساله ما ۷ هزار ساله ما ۳۰۰۰ سال تاریخ مدون در گذشته در زمینه بود سلاطین و پادشاهان قبل از خود می بودند چهل سال قبل در این ملک قرار گردید و شروع به فعالیت های علمی کردند (صحیح است) امروز اثرات آن شدید مشهود شده است (صحیح است) امروز چهل سال گذشته ما خدمتگزاریم و در ملک ما دولت که در زمان اعلیحضرت قیبه دوسره می کردند بنی زبانت است هیچ تا هنوز وارد حد اظم نسیانت عمل نکرده میگردند (حییی - این خراب کاری ها کشتا مغربانه بدست حیان معانی که دارید از نشان

دعای میکند ما آقای حییی مطالب بایدشده خودتون را بگویند و کس بشا تلقین نکند (حییی عیویدم خود بنده است) بنهم خوب است و مردم فراموش نمیکند که اگر در دستگام دولتی غیبت نسیانت عیالوی سوه استقامتی هست همیشه چهارم هزار برایم باید بگویند همه مطروقت هست کابینه در زمان اعلیحضرت قیبه در دستگامهای دولتی کار میکردند با ایت محافت و یا کابینه و تنه دولتی و شفاقت خودشان را انجام داده اند (صحیح است) (حییی - حلال می کند) اما ایشان عرض فرمایند نیکه شامرا عیله میکند بگنایند من حرفهای این بزرگان نسیانت حلال خود را میگویند که مساوی است میگردد در دوره دیگر هر شرفی که خلیج افراسیا باقیامت است (صحیح است) و ما صلوات که دست خورشید خلق تو جسی می شود برای افراسیا در زمان نیراهی ملح ششانی زبالی هست - حقوق هست در ایام ایران باطما - ایشان کما مشقوق - زبایا مورد در دست زمان برضه یکدیگر حقوق و زبالی دارد و بنده هست در کشف یکدیگر حقوق و زبالی دارد و بنده بیایست دارد افراسیا این کار خورشید از شسته کنونی هم باید بشکری یکدیگر (صحیح است) مگر ایشان خدمتگزار این ملک نشاندند بنده مگر ایشان استازان بنده مگر ایشان عالی مقام مگر ایشان استازان فرزند استازان ما بنده فرستند حقوق بشکرم نمایانده کسی چه لایم خدمت کرده نهد و بی نسیانت است این ایام این مردم بی نسیانت را هم چه چنان بشکریند و کس در دباغت میکند آخر آقای نسیونزی باید بشکری می برای اینها یکدیگر اگر اینها خودشان عرضشان دارد فریبی خودشان نمی آورند ما باید با بکشان باشیم گفتاریم غیبت نسیانت این مردم شرف و خدمتگزارند صدیق کنور نارانی بودند (صحیح است) مطلب دیگری که باز ایمان دارم جناب آقای عیویدما نسیونزی بر خلیج ایشان حیث دولت نسیانت با نمایان اطلاع هستند موجود در دوره فریبش داد بر مردم ایران نسیانت نمایان آقایان اطلاع دارد یکدیگر نسیانت در دوره ملک ایران وارد می شود حییی عیالوی ما بنده میگردند

در صورت یا بپردازد کی شود (صحیح است) اگر نامحسب است که صریح بگویند صریح نیست در وزارت اداری از صبی در آمده سدی دو از شاند و مصلوب سرداشت میباشند و این مبلغ مهم را بدون نظارتها و مقررات قانونی بصافه غیر معلوم میباشند بنده خواهش میکنم جناب آقای وزیر اداری معلوم فرمایند میزان ۲۰ درصد وصولی در سه سال اخیر مبلغ بوده و در چه سالها در چه میزان میوزن این قبیل را در اختیار داشته است (صحیح است) مطلب دیگری بنده مربوط است بنویز ایامی دولتی استعمار دارد که مکرر شیوای عالیه کنور عزیز ما تویسه و تا یک فرمودند که در معالات اجتنابی در همه جا باید رعایت شود اما متأسفانه این عملی مورد توجه قرار نگرفته (یکطرف از نمایندگان - نه) کابینه - ابرویش زبورت خلفا عیالوی می شود در مردم را بنیست بنویزها فراموش میکند دلیل عدم رعایت مردم نیز همین تکلیفات ووظایف است که کیسول بنده و شمانی است که مجلس بیعنا می رسد - به کیسول عرض ایشان اطلاع میدهم که کیسیون برای مردم در پیش اقدام میکند ولی غالباً بیعنه نیست بنیست نسیونزی اغلب از نمایان ما با بیعنه هستند و دستگام و باقی هست و متأسفانه قدرت استقامتی که در دست مأمور شریف برسد اقدام شدید و قطع نیکند آینه که بدست آن مأمور نا صالح برسد میدان است گفتد را یاره کند و برسد توی سبک از قراچولر - با این ترتیب هر گاه که می شود کیسول ایام میجد؟ (دکتر زهندهی - آقای مستدی شام در خیالی هستد اسم ببرید) اسم آنها را می میر با یاره بعدی که بنده برایم را بگویم همه نام اطلاع دارم که چنین اوضاعی دستگامها وجود دارد (دکتر مهدی - در ضمنی) منهن کیسول است دستگامها کله سنی را فراموش فرمایند مردم اگر از دست دولت و وزارت خلفا و از عمل آنها شاک و دلزانی شود به کجای دیگر بنده برافه نم که اینها خلیج کتابت کردیم خلیج داد و فریاد کردیم تا نموه استفاده کنیم اطلاع جرحا کردیم و فرموده ایون کثیر و دادگسری و معینفر

در صورت برابری کسی که شود (صحیح است) اگر تراضیح است غیر منجید و بگویند صحیح نیست در روز اردشیرانی از بی در آمدن آمدی و از ماسخه و موز سرزدنیت میشانند و این مبلغ مهم را بدون تشریفات و مقررات قانونی بصادق غیر مسلم برسانند بنده خواست میکند جناب آقای وزیر دارائی معلوم فرمائید میزان ۴ درصد است و در سه سال اخیر به مبلغ یوه و بیست و نه درصد است و میوز این قبیل بر پرداخت کجینت؟ (احسن) مطلب دیگر بنده مربوط است بشورای عالی دولتی استاندار دارید که مگر پیشوای عالیقدر کشور عزیز ما تومیه و تأکید فرموده اند که عادات اجتماعی ما در میان بدوایت بشود اما متأسفانه این موضوع خیلی مورد توجه قرار نگرفته (بکفر از زمانیکه بنده در کجا) و کجینت بی ضرورت از خانه بیایم و وجود دارد و مردم را نسبت به این دستگاه فراموش میکند دلیل عدم رضایت مردم نیز همین شکایات و طوطی‌هاست که سر بهلای بنده و شامانها بنده کان مجلس با عیانت میروند و به کسیون عرض احواله میروند کسیون عرض احوال میروند و در وقت اقدام میکند ولی غالباً بنده حجت منتهی نشود اغلب از ناموران ما با عیانت بنده و دستگیر و با قوی هستند و متأسفانه درست آجانبی که کار بنده مأمور شرف برسد اقدام تعدید و قطع نمیکند آنها که نسبت از مأمور تا مبالغ برسد ممکن است کند را یاره کند و برسرزد توی سید (فراچرلو) یا این ترتیب کارهای که بنده پیشوای جناب انبام میدهد) (دکتر هندوردی - آقای سندی شام در شرحی عینی ام برسد) اسم آنها را هم میبرای اجاره عهده که بنده عرضم را بکنجه مناسلام اطلاع دارم که چنین اولیانی در دستگاه وجود دارد (دکتر مهنج - درستی) منجم کجینت میسر است دستگاه کلفه حس را فراموش فرمائید مردم اگر از دست خود و درازان خانه ها و از عمل آنها شاک و ناراضی شوند به کندی دیگر بنده مردم را که اینجا خیال شکایت کردیم خیال داد و فریاد کردیم از سوء استفاده کتیب اطلاع چرما که در جهت دیوان کفر و داد کشی و دهنشور

بلائی مانده. همه اقدامات و تصرفات را هم که نتواند از شخص اول ملک داشت باید ایشان هم به امور ملک منسلک ۲۵ میلیون وسایط جهانی برسد ما که نمی توانیم برای هر کار جزئی به اعلیحضرت شاهپوری مراجعه کنیم (صحیح است) ملک ما و دستگاههای ما دستگاه اداری منسلک احتیاج به شورای عالی دولتی دارد و چند سال قبل در کجینت جناب آقای دکتر اقبال قانون تشکیل دولتی ارائه شد خوب شد هیچ یک از دولت ها تا کنون در تشکیل این شورا اقدام نکرده اند (صحیح است) چرا! نکرده اند عیث چیست؟ (دکتر مهنج) در کسیون مشترک مجلسین تحت ریهدگی است داد کشور عیثی شورا عالی دارم در کجا کویا خودشان شوری عالی دولتی است؟ شورای عالی دولتی را عرض میگویم این کار و شورا برای این ملک کمال ضرورت دارد و در وقت جناب آقای نفتی وزیر که عیثی می کنند در زمان سلطنت خودشان کارهای ثابت و یکی یادگار نگذاشته اند فلان دارم در تمام این تقاضا و این قانون خوب اقدام کنند باشد که بگویند در کجینت جناب آقای وزیر عیثی این کار صورت گرفت اجند غی از زمانیکه کان خیالی کارهای لازم انجام گرفته است یعنی قری ما عیثی کنمن اگر بگویم که این بخراسی هم مورد بگیرد دلیل این نیست که کاری انجام نگرفته چرا اگر بگویم موضوع باز شد که کنوری است (صحیح است) آقایان اطلاع دارند که کنور ۹۰۰۰ ساله ۷ یا ۸ هزار ساله ۵۰۰۰ سال تاریخ منون در گذشته در قریه بود در سلاطین و مردم تاجیل سال قبل خوابید بودند چهل سال قبل در این منسلک باز گردید و شروع به ضایعاتی همی شد که امروز اثر آن را نتایج منتهی شده است و درجه میروید در چهل سال گذشته اعلام عیثی کنور مردم منسلک بوده که در کجینت اعلیحضرت قدید مرسوم می کردند یعنی از زمان ۸ صحت ظهر و از دو صد از نظر سلامت شکر. میگردند احییی این خرابکاری ها که عیثا میگردند دست حیلان معتمد که دارند از زنان

روغ میکند اما آقای عیثی مولف باشد عقیده خودتان را نسکوبد و کسی بدشا تلقین نکند (عیثی) عقیده خود بنده است (صحیح است) منجم خوب است و مردم فراموش نکند که اگر در دستگاه دولت خدای نخواست عیثی سوء استلاحی است سید چهارم هزار نفر را باید بگویم هم میبویست هستند کانی که در زمان اعلیحضرت قدید دستگاههای دولت کار میگردند با اعیان طاقت و یا کلماتی شوری داشته و نظایف خودشان را باید داده اند (صحیح است) حیثی - سلامت میکنند (اما این ثابت نشی ما عا سید نکند شما چرا جمله میکند بگفتند من حرفی از این باین باز نشنکتان حسان حقوقی دارم که در کمال قبل (صحیح است) در دوره روبرو که هر چند که خیالی از این بی لاف است (صحیح است) و حافظان که نسبت به کورستان ناخالص توجه بشود برای اعیان و درجه داران بروهای مسلح شایسته زبانی است - حقوق است برای اعیان با صلحا - اضالی آنها حقوق و مزایا وجود دارد در زمان برهه یکم حقوق و مزایای دارد سید عیثی شکر گفت یکم حقوق و مزایا و خوب واردند میارند دارد برای این کورستان باز شد که کورستان هم باید بفرستد (صحیح است) مگر اینجا دستگاه کورستان این منسلک خودشان بوده اند با این استادیان و همکارانشا عالمه و عالمه همکار اینها میخوانند فرزندانشا را بچا هستند برشته حقوق بشکر گردنند یا کسی چهل ساعت کرده نهد و یمن است و کتیب اینهم این بی نهدی است و از بهیاتی نیکبندند و کتیب دریافت بکنند آخری آنرا نخبند و برای بیاید بشکر می برای اینها بکنند اگر اینها خودشان حرفتس دارند دیویری خودشان نیاروند ما باید بفرمان باشم بگذارم خدای نخواست این همه مردم شریف و عیثی گزار صدیق کورستان بشوند (صحیح است) مطلب دیگری که باز ایسان دارم حدیث آقای عیثی نصدت زبانی و خیالی از اعیان حیات و سلامت به آنی اطلاع هستند موضوع در دوره دارفور شاد بود مردم ایران است نیدمان آقایان اطلاع دارند که چه جنوع دارد به منسلک ایران وارد بشود و حیثی - ما باید بدانیم که چرا

باید با عیثی (اما اونیس) یکی تر مشکلات صدمات نده که از مشکلات زک است و در ایران حدود و از هزار نوع دارو وارد میشود (دکتر پورحسینی - چهارم هزار نوع) (دکتر محمد بنیمنهارو ششصد نوع) آقای دکتر پورحسینی میفرماید چهارم هزار نوع آقای دکتر سید میفرماید پنجم هزار نوع بنده عرض میکنم دوازده هزار نوع بیشتر این دارو ها مشابه یکدیگر هستند و اغلب از کجینت و قله شده اند و برایش تبلیغ و بنده است باید برابر قیمت مسول که در کشورهای دیگر است و در ایران بخرمش میبراند (دکتر مهنج - صحیح است) آقای دکتر میفرماید میفرماید صحیح است برای نوعی که چند نوع داروی ساخت الکالوئید دارند و ترکیه و ایران مقایسه می کنند و به علت تفاوت این کلن سترم مجلسی و لغت سترم دولت مخصوصاً جناب آقای نفتی وزیر و جناب آقای درویشی که از روزی که خود کجینت هستند و حقوق دارد میبرای اعیان خلی باید بگویند که آقای دکتر شاطعی وزیر جهادی هم اینجا بودند (بکفر از زمانیکه کان - مولان) شایسته بله آقای دکتر مرشد مرد شرفی هستند چه می آید میروند در ترکیه ۲۷ هزار دوا بران ۱۷۰۰ (مهندس کاندید - برای چی خوب است) حالا ما آن چیزهایی که در کجینت می بخوریم می آید دوا بران ترکیه ۳۰ هزار دوا بران ۱۸۳۰ دوا بران میروند در ترکیه ۳۵ هزار دوا بران ۱۶۰۰ دوا بران استور میروند آقای مهندس کانگدر در ترکیه ۳۵ هزار دوا بران ۳۵۰ هزار دوا بران است که شما صرف میکند و اغلب این دارو ها مثل از ترکیه به ایران میاروند و بهیاتی گرانتر میخوردند (دکتر هندوردی - چون در صورت مذاکرات ثبت میشود اصلاح بر فرمایش آید دوا بران در ترکیه ۳۵ هزار دوا بران ۳۵۰ هزار) تا به فرمایش جناب آقای دکتر هندوردی (بکفر از زمانیکه کان آقای حق) (دکتر هندوردی - حق حق آید دوا بران ۱۰۰۰ دوا بران ۳۰ هزار دوا بران ۳۵۰ هزار جناب آقای نفتی وزیر چرا! بشکر با عیثی از قیمت است چرا! باید ایران بازار سرچین دوا بران داشته باشد تا کسی باه این سرحد حرمه

این نام است و با این عبارت ها در عهد (۱) صحیح است) آقای دکتر سیدمهر فرمودند صحیح است و آنوقت ملائحه را برآوردید چون در روز مکرده گویید خجسته و بازی میبود آنکره و روزی در مفرض میبکند و از آن بهاری میبود است و زوروش به اینها نرسید) آقای دکتر رهنوردی فرمودند که وزارت پداری صعیف است و زوروش باید باشد فرمودند شده از جانب آقای نخست وزیر که تمام امکانات را اختیار بدارند چنانچه تمام اموال قدرت خریداریند به این سلسله شروع شود خامه بدهند نه میباشند یا تمام آنچه که هرچه زودتر وسنگه کار تمام و کنترل داد و وارد نمایند (دکتر سعید - کنترل داد و دو سال است وارد شده و مسئول کار است) آقای دکتر سید فرمودند کنترل داد و دو سال است متعلق است. باز این خیانتا مشاهده میگردید که مذهب را میپرستند (کیان بیثباتی - آقای مستفی - بیزار از این وزارت پداری را عجلت ندیدم) اگر در این کار مسامحه بنمود مسلماً بشعور او کند گمان میفرمودند که در این وزارت پداری و در دو سال (صحیح است) کنترل داد و دو سال است متعلق است و در دو سال میفرمودند (دکتر سعید - صحیح است و بیژن سعید است که اغلب این دوهای خارجی اعیان مارک و جسد و بیژن است) کتبی های خارجی اثر تر خوب میگردند و در کتبی های ایران روی عرش اثر دیکتاتور را می بینید و اوصاف خنده دارد (گریه دارد آقای فرچاولو و بیژن سعید نوشته شده و همین را دیده ام) اثر بخورد مرده داده می شود این سوء استفاده می شود و در این اوصاف آنسکه چنان از مسئولین مربوطه با سهل انگاری و با تقدیر به خلف و مال مرده میمانند هستند یا سویت دارند (دکتر رهنوردی - وزارت پداری در این مورد و ناقص از خوب انجام ندهند) آقایان - اغلب کتبی های سزایه دارد و صرف بسیاری از دارو ها را در کشور خودشان منع کرده اند چرا برای اینکه فرمول صحیح - مع (علمی) در اغلب این داروها وجود ندارد و میباید در همه آنها پیشرفته داشته باشند چون میباید در ایران کار تمام و وسنگه کنترل و دستور عمل داده شود که در تمام اینها خوب میباید و آنها هم بدین ترتیب اندام میباید و هر چه هم که تبدیل اینها می شود میباید فرمول را در خود داشته باشند و در ایران باید روش و شیوه دارویی کامل میفرمودند و اگر سعید صحیح است)

غیر سرمایه دار نیستند و این نوع هم از خان و طبقه دولت و دستگهای دولتی است که ما اینجا گفت بکنند پول مدع از شاه بکنند با رضای بکنند با آنها هم نتوانند کار میکنند (صحیح است) و در آمدی که از جلب سیاح بکنند بگویند ایران بشود اگر خوب اداره شود همانطور که جناب آقای راسد نیز در بیانات متفق و مؤثر خود فرمودند شاید از عواید نفت ایران بیشتر باشد و است تنها درآمدهای است که بدون خرج این دولتی است که با پای خودش بکند ایران و او میشود سال گذشته در کشور ایتالیا بیست میلیون نفر تورست برده و میباید که از آن بیست آهه حدود بیست میلیون دلار ببرد است در اصفهان هم بتدریج درآمد بیست میلیون المصاف اما مسائل کلا حیا نیست - منتظر هستیم کار آب آذربایجان و فلفل آب اصفهان تمام شود تا بر همه است که داریم شروع میکنیم یکی از چیزهایی که بنده میخواستیم از اداره بنفستاشی وزیرارت فرهنگ و هنر خواست بکنیم اینستکه اصفهان چشم و چراغ ایران و کوه گرانیهای است در سینه صدر ایران و باید فقط برای ایران میباید (صحیح است) اما به آنجا یک حیاتی که مشکل بلند از چند آرتیستک و مردان سرب و مطلع تشکیل شود و کلیه کار های عمرانی و تربیتی زیر نظر آن جنت و با خوب آن جهت صورت بگیرد اما غیر از این بقدر هم ضروری با استفاده از میباید با کار خوب یک کار هائی که در امری چندند و در خارج میبکنند و میگویند آن کاری که شده صحیح نبوده و بیاید این کار را که سلفه من است بکنید و با این ترتیب پسندیده نیست بنابراین حتماً باید کمیسیونی وجود داشته باشد طبق نظر آن کمیسیون کار می عمرانی و تربیتی اصفهان تفریحی را زیر نظر کمیسیون انباء بدهند (صحیح است) البته آقایان استعمار دارند که به امر ساخته اند را هم فرار است شورشهای اصفهان مدت تفورید و جعفری با تمام هر که مداخله ای حتی اگر خیلی کوچک باشد با خصوصیات

مرحله صورت بگیرد و شهر جدیدی در نزدیکی اصفهان بسازند اصفهان ساختمان و تأسیس شود اما تا زمانی که این کار شده است باید هر چه زودتر این کمیسیون تشکیل بشود (مدعی از نمایندگان کلان میباشند) آقای در اصفهان یک چهارم و دو و دو دانسته چهارم و شش شش کل شش باشد پنج سالی باشد و این چهارم و شش فارغی و سایر ارباب کرده و کتبی که با در جراحی است را در ساختمانها بکار ببریم (مستوفی ثانی - چهارم و شش است) غیر این چهارم و شش شش شش شش و دو این رفت و عیبانی آنها (صحیح است) کتبی کلان - میباشند (اینها استعماری است که در گذشته بود و الان هم کار و پیش کار دارد و باید جلو این جریانات و استعماری که کتبی شود (صحیح است) مطلب دیگر اینکه در اصفهان یک فعالیت های زمادی جریان پیدا کرده و استعماری میباید مسلط و مسلط حلقه ها و مؤسسان بزرگ شروع به ساختن شده (صحیح است) و با تمامه با بعضی میباید کتبی میباشند (صحیح است) و اینها میباید کتبی میگردند و پول ندارد سرمایه من حسان است که چند سال قبل بود در شهرستانهای دیگر و در استانهای دیگر هم عیاری دارد سرعت توسعه پیدا میکند و ساختمانهای جدیدی شروع شده و در آنها هم به تدریج بانک های مراجه با کپورلی است بنده خواست میکنم چند ایاتی نخست وزیر توجه فرمایند (گزاره دارد در فعالیت های عمرانی توسعه و پیشرفت بکنند سرمایه بانک دهنی را در این نزدیکی نادیده ولی همه آقای دکتر غیبی رئیس قاضی و سرب دانسته اصفهان پیشنهادی بشود عالی دانستگها و با وزارت آموختن و پرورش شده است که یک دانشگاه در همان سزای در آنها تأسیس شود (دکتر ضعیف امین - همان پزشکی آندان سزای آقای دکتر ضعیف امین همان پزشکی خوب است) نشان منطقه پایین عرش که میخواست بکنم وارد نبوده (دکتر امین - نه در گش میباید آنها تأسیس بکنند که مدعی را بنام

دندان ساز نسبت به آنکه گفته که شرط اولش داشتن دیوه و صلاحیت های بیشتر است ؛ اینها را در مدت چورساز دندان ساز تربیت کند و بروستها اعزام دارند برای این کار هم دانشگاه پزشکی امپان آمادوست جنب آقای نخست وزیر و جنب آقای دکتر آموزگار رئیس دانشگاه امپان برای اینکار فقط ۲۰۰ هزار تومان پول خواستند و سالی ۳۰ هزار دندان ساز تربیت میکنند که بروستها بفرستند چون مدارفراه و قضات بجان سلو و دندان پزشک ندانیم ، فعلا دندان ساز لایزم داریم خواهش میکنم این دوست هزار تومان را بفرماید برای آنها بفرستند که این کار مفید است و البته دانشگاه شکی امپان با یک تخمین خوب دیگری گفته که اگر اینها بیضا میکنند یا با سایر اسپیدر های بیوزار چندی را اینها است با وجودی که میخواهند تربیت کنند در دستهای سایر نواحی نیز به کار میفرستند و چون در دانشگاه وجود ندارند و این موجب بار دانشگاه امپان فرام کرده بنده خواهش میکنم برای این کار هم توجیهی فراهم کند که این موضوع لازم در امپان عملی شود البته اگر این دادها سابقا و کتب آمیز شده باشند از تحصیل از عمده یاد میدهند بنده بکنم بروستها بیرون دهند فعلا اینها بخندند که جنسها جنبش میثرتانه بر وند بداند فک و تحصیلشان را انجام دهند مثل دست عملی درهای سابق و مستأ از نیکو سیبید درهای خود عمل میکنند دستور فرماید ۱۳ هند را از طرفی دانشگاه امپان را که هم زمین خوب دارد و هم آب آن موجود است اداره کشاورزی امپان کند و آنجا اینها بکنند .

بسیار هم برایشان آرزوی کرده اند و در این وزارت آموزش دیده اند و این کار هم در وقت گذشته است .

مصلحتی - دو نفر گفته اند ، چیزی بنشیند و بمباران بشده و دیگر فعلی است درختان مأمورین دولت را در آنجا ، بنشیند ، مطلب دیگر مربوط است به های های استانی اقصای که جنب آقای دکتر چه بنده بیرون بیاید معلوم آباد (دکتر وجدی) را بیابان ماموس) که در ۱۰۰ کیلومتری امپان است گردانده کار بسیار بیانی بود

نکردند برای امپان ، یک سال فیزی را بنویس دیگر نهایت ضرورت دارد و اگر سازمان برنامه با وزارت راه نتوانند به فیزی آنان احکام کنند با اضاری ندارند فیزی شهرستان را که یک پل در فیزی مربوط بران سنایان و ۱۶۰۰ سال پیش است تعمیر و تکمیل نموده موافقاً مورد استفاده و بساطت قله قرار دهند زیرا طبق اظهار کارشناسان مرحله ایی باید پل شهرستان چنان طلعت و قدرت را دارد و یک باره آنرا برود بکن آن عرض کنیم و بنویس و با فیزی نامتیم می توانست و بساطت فیزی منگین را از روی آرزو بود بدهد بنابر این نامتیم دولت خواهان میکند که برای حفظ این بیهای بلناتی هر چه زودتر اقدام نموده و تصمیم اعلام کند (صحیح است) مطلب دیگری که برای شهر فیزی امپان کابل ضرورت دارد این است که بنده فیزی را بکنم دولت مردم را در ساختمانهای جدید با سبک تکمیل ترویج بکند ولی نه اذیت و مسخره بکند ، اهالی را ارشاد کند که در بنای عیابهای ایلی و آمینا که ساختمان میکنند از کشتیهای سفید و کشتیهای زیا استفاده میکنند زیرا کشتی در طول پل ریختن و زشتی در مقابل باد و باران حوادث جوی محفوظ و صون و زیبا میماند ولی بقیه صالح ساختمانی ممکن است خراب و تخریب شود این هم یکی از کارهای است که برای امپان ضرورت دارد (صحیح است) موضوع دیگر اینکه بنا بر توجه خاص ایجنترت حمایتها داشته بنده تعمیر این بیهای امپان اقدامات اساسی و عاجل صورت گرفته است و مقررات شورای چهل جدول در عرض میشود و بطوری آنها را دارند تعمیر میکنند که شایعتر از آن سال دیگر باقی مانده برای روشنی ساختمانها و زنگ های منقسمه اقدام بعمل می آید ما را برای این بیهای هنوز اقدام ننموده و میکنند میتوانیم تغییر بدهیم (صحیح است) و من از این لحاظ باید عرض کنم که چه بجهه تغییر نکرده ایم ، تاکی که فرمودند آنها را که شنیده قبول میکنم ولی اظهار دارم آنها تمام شده ایم قبول کنید ، اقتضای این است در راه ، اگر دولت در این دولت آمان باشد اقتدا

آخری بسیار بیجا بود .

و قوی - آقای نخست وزیر فرماید .

نقص و ترقی (میر عباس هوی) بنده خیلی خوبت

هستم که کمال برای بود و هر چه بود چه صحبت نمود اگر یک بکنده فیزی بود و هر چه از جهت زمان وقت نکرده یا نتوانست اظهاراتی بکند و اقتضای صحیحی فرماید همه دوم اینهم نقد امروز هم برای بار سوم با چه نمایان موسوم غلطی اینها داده اند چون اینجاب در جلالت گفته که راجع بود و هر چه در راه صحبت برای عرض کرد . در اینجا اینکه خواهر کرد که پاسخ منی تاکی که ما خدمت نمودیم و دولت مستقیم فرموده در عرض کم در علمونامیک نیکبای را روشن کنم ، چون جنب آقای بهودی در جلسه اول فرمودند که در یکی از جلالت تغییر یافته قامد بنده شنیده ام همان نه میتوانم تخریب فرمائیم اما فکر کنم که شنیده ام ، بنده نمائندگان و نمایان میکنم میتوانیم تغییر بدهیم (صحیح است) و من از این لحاظ باید عرض کنم که چه بجهه تغییر نکرده ایم ، تاکی که فرمودند آنها را که شنیده قبول میکنم ولی اظهار دارم آنها تمام شده ایم قبول کنید ، اقتضای این است در راه ، اگر دولت در این دولت آمان باشد اقتدا

و ما هم چیزی که از مجلس شورای ملی باید مستخرج
 بشود و برای این نکات مواردی هست که خدمتتان
 تقدیم میکنم که ملاحظه میکنید در مورد نهی به حبس
 و تعهد به تحمل شاقه سابق کیسه کرامت اعمال شاقه
 است از نظر ادب و ادب کی شخصی ما جز حبس کمتر نیست اخته
 نمیدانم اگر کسی بتواند راه عملی بیابد که ما هم
 بتوانیم توجیه کنیم مسلماً همه ما همین اصل
 شاقه و حبس سنگین هستند و نمیکنند با در و
 خدمتگزار می کنند اصحح است! دکتر پیور هاشمی -
 جس با اعمال شاقه تا مثلاً قتل است! راجع به فرمایشات
 مستقیم و غیر از جهت که مستقیم راجع به بیستی از
 مسلمانان من فرمودید خیلی مشکوک است و پیور وزیر
 دارائی ایشان کردند هفت (صبح است) و پیور وزیر
 کربانان و انبیا میهدند و امیدوارم وزارت دارائی معائن
 بجای برسد که ما بپوچد وزیر دارائی علاقه داریم یا
 تصویب قانون ملایت این رابطهها و قطع شک و وزارت
 دارائی در هیچ کس نیست و اینا خوب نیست در فرانسه هم
 نیست در انگلیس هم مسئولی کارش را بخوبی انجام میدهد
 و ما از لحاظ درآمد درآمدهای بیشتری داشته باشیم که
 بتوانیم با سرعت بر سر راهمان عساری را اجرا کنیم اینجا
 نسبت از آمار فرمودید که باید آمار بپوری انسانی و
 آمار کارایی هم که چهار جلد کتاب آماری که آخری
 در آمار شده ولی هنوز توزیع نشده خدمتتان میبهم
 گاهی فکر میکنم که بر یکمان اینکه فرمودید من بیستی
 از وزارت اطلاعات بازخواست کنم خوب این کارها یک
 شده آماند یک داریم که خود رقیب چند تا همسایه میخوانم
 چندانکه برکتش منته میخوانم اینجا! اطلاع مردم
 چندانکه بدد های کرگرم که ما خجالت میکنیم چون
 اینقدر که اطلاع در این بیشتر بود که این کارها یک
 ایجاد میشود بیشتر خودمان است! تقدیر شاخته متعلقه
 دارند که کارها با سرعت بیشتری برود و ما با الهامی
 که از مسلمان میگیریم هنوز با آن سرمتیش فرجهایم
 و ما خودمان با خجالت میگیریم و این کارها برای
 کتابخانه جنابانی حتماً مورد علاقه خودماند خوبم

جله شده است! اطلاع بیاریم بیستی خدمت خواهد آورد
 ایپند - برای گرفتن اینجا حتماً باید لطف معاندان
 کرد! در تعزیر همه میبهم راجع به آگاهیها فرمودید
 اگر لازم باشد دولت آگاهیها را از بین ببرد
 حرفی ندارم از دست وزیر جناب آقای مهندس والا
 میرسد اینها بنیاندگی از طرف مطبوعات در این جا
 هستند! آقایان - آقایان: حکیم شوشتری و موافق
 و دکتر انبیا من اهل مطبوعات هستند! اگر مری
 آورد آگاهی از بن برود خوب ماسی نپردازد ولی
 باید قانون را از بین برد ما اگر متقاضی میکنیم
 بایستی اطلاع شود بایستی ما اجباراً اطلاع را بگذاریم
 ما میتوانیم اطلاع آنرا از بین ببریم چون قانون دارد یک
 فکری برای اطلاع توزیع باید صحیح باشد و بود و طرح
 هم وزارت اطلاعات دارد هم از این لحاظ هم از لحاظ
 قانون مطبوعات که ممکن است همه اینها بام در اسباب
 راه حل بیابد خود آقایان تلقین کنید که ما برنامهای
 برای اطلاع داریم بعداً با آمین روزنامه نگاران
 صحبت خواهد شد راجع به توریت فرمودید اطلاع
 معینت بخوام میباید در سال ۴۴ یکصد و پنج
 هزار بود خدمتتان در چهار روز توریت داشتیم و ۳۱۶
 سه هزار و خردهای و البته این رقم کسی باید با
 سرعت بیشتری پیش برویم و اینجا نسبت از اینک رضی
 شد یکی از آقایان گفت که ما یک بیشتر میکنیم
 در سال ۴۴ - ۴۳ یک میلیارد و هشتاد و نود و یک
 میلیارد و سی و یک میلیون تومان و ده درای خدایان
 مثل باید مقارن از این واقعا را کم کنیم و
 بهمین مثل بماند انتقال دارد برای ساختن مثل
 خیابان میکنم با کمک دولت سرمایه خصوصی باید وارد
 شود یعنی مسلمان منابع استخوان چرا کمک نمیکند
 چرا جنابانی آقای مهندس بیستهباشی بود. یک
 کسریومی از اینجا تشکیل بعدی مسلمان فرجهایم
 کسریومی قدر نامی ندارد (خنده میباشند گان) با
 کمک دولت از زمین دولت این مثلها را بماند پس
 دولت مقارن کارخانه ساخته شده الان هم بدفکری

بست من امیدوارم وضع دیگری که میباید اینجا اقدام
 کرده باشید و الا من تنقید میکنم هانطور که خدمتتان
 کردید! (مستفی) بدون کمک دولت امکان ندارد
 آقای نخست وزیر! راجع به نقل مبنای سبک برودند
 در دست وزارت دادگستری است و دولت هم صلاحیت
 که نظری بعد برای اینکه باید دستک دادگستری
 بخرد و بنده اینها را باید بگویم بدون اینکه
 نسبت بزم و بگویم هر چیزی شده با کار بدی شده بنده
 بند نکهه را بگویم که مربوط به شرکتی میم نیست
 که مثل حلال این نکه را بگذاریم کنار بیستی
 کدات که دستکند و گستره اظهار نظر کرد فرمودید
 که گاهی نیستند خطایان را خواهد بنده هم باید عرض
 کنم که گاهی نیستند و دستکند اینها را باید در نظر
 گرفت راجع به همه اینها بایستی باید عرض کنم
 اختلاف در همه اینها با معارن میکند و میباید
 احتیاطی که متعلق بود و کیل جیلی نظارت میکند
 یکی از دستگاههای است که اگر خوب بگویند باید
 کار میکند گرفتار تانسانه گاتان باید برای شاکت
 کنند باشد یا اگر خوب نظارت نیستند از آن استیضاح
 کنید نه از دولت بپیره (بانو دکتر دولتشاهی) از
 لحاظ وضع و وضع زنها خیلی عیب و در مردهای کارگر
 است! انتقاد آنها هم میرسد راجع به موسسه اتومبیل
 دات در برابر دو امر است یکی خانها و آقایان و یکی
 ما خود کورمان که اتومبیلهاشان را گرفتاریم و در
 دستک دولت من خیال میکنم پیش از خدمت اتومبیل
 نداشتند ولی اگر ملاحظه فرمایند اتومبیل دارند بشرح
 خزانه شخصی است و بخرچ خانه دولت نیست این از
 نظر ما اقلیمی خواهد بود برای خواهد شد ولی مسلماً
 در این جا میگویم ما احتیاج داریم باید اتومبیل داشته
 باشیم کارهای ما در سطح شهر در سطح در استانبول
 اتومبیلها و اتومبیلها میگردیم در دستک اتومبیل میگردیم
 اتومبیلها را در سطح شهر در دستک اتومبیلها را می
 خردیم من خیلی خوشحالم که رقم بدد اقلیمی را
 ندادند که با سرعت پیش رفتند ما را قبول کردیم
 این مربوط به بست زیر بنایی است که قبلاً ساخته

شده و امروز از آن استفاده میشود برای مسلک و مسلماً
 این سرعت و این تحول اقتصادی بنفقه همه ما خواهد بود
 اشکالی فرمودید که وزراء بیشتر بکارهای کوچک
 رسیدگی میکنند تا کارهای بزرگ: این اشکالات در
 تمام دستگاهها هست خود جنابانی که در یک دستگاه
 خاصی هستید خوبتان میباید که کارهای که
 نویسم مربوط باشد بنده هم میباید که بنده اینجا
 مانع و دودمانه کار نشود (صبح است) باید واقفاً
 عدلی را آماده کرد که مسئولیت قبول کند باید مردم
 برسد اینجا مثل آقای مهندس مستفی صحبت کرده که
 یک هفته بعدی نوشته که در کلان اداره ۱ میلیون
 تومان بود استفاده شده و فرجه در بیرون کرمانه
 اگر جنابانی در یک دستکند خوشی خواهد چه می
 کردید بیروت میگردید اگر حرفی دارد میخوانم
 بیرو عدلی درست که خوب بیاید بیروت دستور
 بگوید تحت میلیون تومان سوء استفاده کرمانه خوب
 نرسیدگی میشود هر روز مقدراتی کرده بدون اضنه
 میباید که در میان دولت دستکند مدارها و بنده
 بدون استناد رسیدگی شود (استماع است) گمان گفتند
 و اینجور البته وظرفیز است ولی ممکن است تحت
 بزند نشود اگر واقفاً برای آن مسئول لطینان
 بلند که کارها! استخوانانیم بعد و معلم وزیر آن
 دچار اشکال نیست (صبح است) فرمایشات قبته آن
 عالم فرساید حسب مطبوعات دولت در فرانسه در قرن
 ۱۷ نوشته بودند و گفتند که بنده بیاید آمد درون جا
 که در آنجا داشت این عالم ۱۰۰ روشتتاً بیرو صحت
 کرده این یکی صحت کرد آن یکی نظر بر حد این توری
 نوشتند حضرت میخوانم مطلب اینستود گفت (را باید -
 فرقی) بله متشکر فرمودید و نظر بر مدار گفتند مسلماً
 بروم بنده اینها را در سطح شهر در دستک اتومبیلها را می
 اصلاح بود بنده اینها را در سطح شهر در دستک اتومبیلها را می
 در سازمان بر نامه بوده (است) باید گفت بنده اضنه بود
 لخصه سفیر اقتصادی بود در سازمان بر نامه کارش
 با انشاء مریح داده بیروت کرد (باید) و بجمه شما که

سر قوام که دادگستر استی کرده بر خلاف مصالح آن دستگاه
 در ممالک خارجی و در آنجا که هرگز مشغول نظر و مراقبت
 در امور داخلی و دیگر شده است که هرگز توجهی ننموده
 در امور مرزها و جوار مرزها در مورد حساب سود و زیان
 مرز و در صورتی که در این دولت هیچ فرموده‌ای نماند
 متشکر و در فرموده چارلسکوگی را دیگر یادش نماند
 می‌کند. سرکاران دستگاه دیگرند که در دستگاه
 آن دستگاه چونکه شاید مورد نظر ایشان بود اتفاقاً
 گذشته چه می‌باید همان به خزانه دولت سود و اجرت
 از نظر اینکه نظم و انضاح در دستگاه خزانه وجود
 نیاید تصدیق کرده که تمام دستگاه‌های وابسته دولت را
 که صورت اشغالی هستند، مدیریت دارند و این دولت را
 سود می‌دهند؛ بخلاف دولت هستند که هیچ معنای ندارند
 مگر بوجه صوبه به آن اختارات خودشان استفاده
 میکنند باغ ملی و باغ در کوی‌ها و دستگاه‌های دولت
 که هستند، جود همین جهت بسیار کم و زیاد کرده‌اند
 سود خودشان را بدهند. همینکه که ملاحظه
 می‌فرمایند در بوجه سال ۱۵ تقویم شده و تقویم
 کرده بود ۱۵ میلیون تومان برای اولین بار
 برای پرداخت بهره‌های دولت سالک در کوی منظور
 شد یعنی دولت منظور که سودشان را بگیرد بخش
 پرداخت همه آنها هست صوبه به جود است این امر مرزها
 را نگاه می‌کنند که سود تقویم را بگیرد بدین
 جهت که چند جا خود کرده که در دولت در این
 دولت داده ۱۸ میلیون بوده و در دولت دیگر تقویم در
 حد خود دولت است چون در خلافت قانون مرتباً فقط از
 جهت این است که نظم و انضاح داشته باشد برای
 آخر هیچ بهره‌های سود نیست، مصاحبه شدن است
 به حقوق و غیره که در دستگاه‌ها و بخش‌ها می‌دهند
 این دستگاه است و تقویم را همین‌لایحه منظور بوده که
 همه این هزینه‌های اضافی به اندازه دولت است نه سود
 از آنجا که در دولت بود که این تقویم بود و تقویم
 حد تقویم، معادله سید به مصلحت این است نظر این
 دولت در این باره کرده یعنی لایحه ۱۰ وجه است

ملاحظه فرمایند که حتماً فرموده ملاحظه می‌کنند که
 در وقت آمدن و آمدن در هر سازمان مرزهای که برای
 گرفته است و در هر کجای هست منظور شده و در هر همه
 منظور برای اینکه مرزها و دستگاه‌ها منظور و انضاح
 شده است بلکه از زمین فرمایند که این فرموده که شده
 می‌کنند در طرف این بود چون شواست نتیجه می‌گیرند و
 خدمتشان می‌کنند که این اصح به جای بود چون از
 می‌بایست، وزیر کشور در جواب فرمودند و این گفته
 است از بنده است چون هنوز سازمان چای جزء وزارت
 دارایی است و فرمودند که این چیزها را رنگ می‌کنند
 باشد می‌باید مقرر می‌گردد و مقرر خواهد شد که
 این اطلاع اندازه رسیدگی می‌کنم و اگر چنین چیزی
 باشد می‌باید مقرر می‌گردد و مقرر خواهد شد که
 این مطلب را در طرف این بود چون شواست نتیجه می‌گیرند
 و عرض برسان (احسن، احسن).
دولت - آقای راشد فرمایند باید فرمایند
دولت - بنده اجازه نمی‌کنم کلمات تشکر از
 توضیحات و تعالیات که در هر مورد از طرف جناب آقای
 نقی‌زاده و جناب آقای وزیر آرای داده شده مجدداً
 تشکر کنم و یادگرفته استفاده کنم که گویا ضمن عرض
 مضامین بین امون موارد مختلفی از قبیل وقایف قضات
 شریف و آقای محترمه دادگستری و صاحبان صنایع یا
 پزشکان محترمه را بکار نماند دولت و سایر طبقات مفا کرمی
 شده به هیچوجه منظور و اجازت می‌دهد منظور می‌کنم
 هیچکس را در وجه متوجه آنجا عرض باشد که مطالبی
 را بخواهد طبقات تعیین ندهد در تمام طبقات مرده بسیار
 شریف و جود دارد و حداقلاً ممکن است متحرکی
 خواهد شد که چند جا در زمین عرض چنین مطلبی گفته
 باشد که گفته معذرت بخواهم که اگر چه تقاضی شده
 می‌بود که مع بود تقاضی نمودم احسن.
دولت - عرض بود در وقت داده و داده و داده ای
 می‌گیرند خاصه و آقایانکه خود غنای مثل می‌دانند
 فرمایند اکثر اینها را تعیین می‌دهند و در حد مصلحت
 است نظری است که نظری تعیین می‌دهند، می‌باید این
 دولت در این باره کرده یعنی لایحه ۱۰ وجه است

ارواح زیر خوانده شد
 وزارت محترمه مجلس شورای ملی
 بجهت پیشه و می‌باید تقریر زیر را بآیاه مضمون بوجه
 سال ۱۳۴۴ اضافه نمود
تقریر - انتقال وجوه مربوط به حقوق کارکنان
 که از یک سازمان سازمان دیگر مأمور شده یا می‌شوند
 در مدت مأموریت بلا مانع است در این موارد حقوق و
 مزایای که به مأمورین ملحق می‌گردد از طرف سازمان محل
 مأموریت پرداخت خواهد شد منظور از سازمان مزبور
 در این تقریر کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات تابعه و همچنین
 مؤسسات بازرگانی و انشعاب مندرج در فهرست ضمیمه
 این نامه مربوط به اجرای قسمت اول از بند ۹۹ قانون
 بوجه سال ۱۳۴۴ کتوری باشد. پرداخت مزایای از طرف
 وزارت دارایی قضات که درجهت حل اختلاف مالیاتی
 شرکت می‌کنند مزایای است - سید محسن فرمودی.
دولت - آقای رضایی فرمایند
مقررو - بنده تصور می‌کنم استعفی - توضیح
 فرمایند چون بنده مخالف هستم باینکه برای توضیح
 شرفیاب حضور نامشده بدون ترور بدینصورت ۹۹ که بوجه
 سال ۱۳۴۲ به پیشنهاد دولت و به اتفاق دولت از مجلس
 محترمه گذشت از اقدامات بسیار مفیدی که بنده تصور
 می‌کنم نماید که محترمه و بعدین ترور نماند مثل
 این را در آخرین تصمیمی موافق بودند برای این است که
 تقریر ۹۹ برای جلوگیری از پرداخت های مکروه
 غیر قابل گذشت و معاشی مختلفاً معذور بود ولی درین
 حال در اجرای این تعربه به بسیاری اشکالات
 شوکت برخورد کرده‌اند که ضرورت است
 باید تجدید نظر مختص و تفویض اجزای برای در این
 مشکلات از طرف مجلس محترم در این مورد و امید و بیری
 معنی از اشکالات را فرمایند (حکیم که تقریر ۹۹ این
 است که پرداخت حقوق از دو محل طوکر می‌شود معنای است
 نسبت دوم تقریر ۹۹ مستثنای است پیش بینی کرده که
 حق این نامه است به موجب کمیسیون مشترک دارایی

مجلس رسیده است و مختص روش میشود بعد متوجه
 شدیم که مردمی که از نظر سازمان سازمان دیگر می‌شود
 میشود که در آنجا بقیه ای را بدهد به بعد و استعفی
 در وقت فرموده نامه با مزایای را بدهد می‌کنند مثل آنکه
 پرداخت از دو محل معنای معنای استعفی پیدا میشود که
 مزایای آنها را بپردازند ملاحظه فرمایند در وزارت
 دارایی که نامی از قسمت اول از آن مأمور شده می‌باید
 این باید فوق العاده و مزایای را از وزارت نامه محترم
 این چون حکم کلی تقریر ۹۹ این است که از دو محل
 میشود پرداخت کرد مزایای او را می‌تواند بپردازد
 همچنین ممکن است مواردی پیش نیاید که احتیاج پیدا
 شود که یک عده ای از یک سازمان برای یک مأموریت
 خاصی سازمان دیگر مأموریت پیدا کنند فرض فرمایند
 برای اجرای کارهای مربوط به اصلاحات
 ارضی چون کادر املاک و سایر اصلاحات ارضی خودش به تمام
 نسبتاً اتفاقاً ایجاد و بعد از سازمان سازمان کرمی در
 سازمان اصلاحات ارضی مأمور شده اند که اینجا باید
 خدمتشان را از سازمان ارضی دریافت کنند ولی مزایای
 فوق العاده‌شان را باید از سازمان اصلاحات ارضی بگیرند
 ولی چون حکم کلی تقریر ۹۹ این است که از دو محل میشود
 حقوق پرداخت این است که اولاً در پرداخت وجه اشکال
 شده اند این تعربه پیشنهادی شده برای این است که عرف
 این مشکل بشود ولی در این حال برای اینکه بگذارند
 اجرا می‌کنند بشود پرداخت از یک محل از اجساد
 تقریر که نامش اجازه داده شده است که تمام حقوق و
 مزایای او در این سازمان و از یک سازمان دیگر پرداخت
 یعنی اگر یک مأمور شد برای یک جاتی که بکند حاصل
 حقوق او سازمان او انتقال داده شود به سازمان محل
 مأموریت که در وقت ما ثابت است ۹۹ را هم کرده
 باشیم که این پرداخت صرفاً از یک سازمان بوسیله یک
 سازمانی پرداخت شود (احسن) در طرف این است
 که مزایای پیش از حقوق باشد از طرف کمیسیون
 خاصی داد و بدهی می‌شود می‌باید پیش از آنجا که طبق
 قانون مزایای او با نقل می‌گردد مزایای داد و در وقت

مهندس صائی - در سفر ده بعدی کارمندان وزارت و سازمان های اتحادیه و وزارت کشاورزی و غیره بود؛ برای کارکنان وزارت معادن و کارکنان راه آهن و غیره سفر آخر حمله اصلاحات ارضی حذف شود؛ بنگر از آنجا شد کن - میباید کارمندان وزارت معادن هم است و چون اول سفر نوشته شده است که سازمان اصلاحات ارضی کن کشور اجازه داده میشود باز در آخر آن نوشته شده از محل اعتبارات سازمان اصلاحات ارضی پرداخت نماید و این قسمت زیاد است؛ بگفتار از نمایندگان - ضروری ندارد؛ چون به خودش اجازه داده میشود که از محل اعتبارات خودش پرداخت نماید قسمت آخرش این است که از تاریخ تصویب قانون موصوف از محل اعتبارات سازمان اصلاحات ارضی پرداخت نماید چون بقدر سازمان اصلاحات ارضی اجازه میدهد جمله سازمان اصلاحات ارضی که در آخر ذکر شده اضافه است و دیگر سازمان اصلاحات ارضی لازم ندارد؛ بگفتار از نمایندگان - اشکالی ندارد.

دکتر آموزگار - قسمت آخر باید باشد چون محل دیگری ندارد از اعتبار سازمان اصلاحات ارضی باید بدهد.

مهندس اهری - چون از سازمان اصلاحات ارضی باید داده شود این حمله باید باشد.

مهندس صائی - پیشنهاد قسمت آخر را پس گرفتار فقط بجای کارمندان ادارات سازمانهای تابع وزارت کشاورزی نوشته شود کارکنان وزارتخانهها و ادارات دولتی؛ بنگر از آنجا شد کن - کارکنان وزارت معادن، کارکنان وزارت معادن هم میشود.

روحانی - شامل میشود.

رئیس - آقای ربکی مخالفید؟

ربکی - بنده میخواستم عرض کنم که توضیح بدهند پیشنهاد آقای مرقسی این چه لزومی دارد؟

مهندس صائی - این پیشنهاد را بنا به پیشنهاد آقای مرقسی در این قانون خاص دارد در سایر ملاحظات فرماید بموجب قانون خاصی منع شده است.

پاینده - نظر دولت چیست؟

رئیس - آقای مرقسی عرض فرماید.

مرغزوی - میخواستم توضیح بدهم.

رئیس - اجازه فرمائید آقای مرقسی معترض کبسیون قبلاً اجازه فرمائید.

اهری (معترض کبسیون) - در حد این منظور که صحبت شد دولت با قسمت اول این پیشنهاد آقایان موافق است چون حقیقه ایجاد مشکل می کند برای سازمان اصلاحات ارضی از لحاظ پرداخت حقوق و مزایای این قبیل مأمورین و این مأمورین سازمان اصلاحات ارضی همه همانطوریکه توضیح داده ام منحصراً به کارمندان وزارت کشاورزی نیست از سازمانهای دیگری هم در اینجا مأمور هستند دولت با قسمت اول موافق است ولی حذف قسمت اخیر ایجاد مشکل میکند این مزایا از محل اعتبار سازمان اصلاحات ارضی پرداخت میشود نه از اعتبار دولت.

دکتر عدل طباطبائی - این را باید دولت بگوید شما چرا میفرمائید؟

رئیس - آقای دکتر عدل طباطبائی اجازه فرمائید پیشنهاد با اصلاحی که تبدیکار دیگر قرائت شود که برای گرفته شود.

(شرح زیر خوانده شد)

ریاست معظم مجلس شورای ملی

پیشنهاد مینماید بمر ۳۳ لایحه متمم بودجه سال ۱۳۵۵ کشور شرح زیر اصلاح گردد: - دستور دویم بجای جمله کارمندان ادارات سازمانهای تابعه وزارت کشاورزی نوشته شود کارکنان وزارتخانهها و ادارات دولتی).

مهندس آراسته - تھی ژند - مهندس زنجانی

دکتر مهدی زاده - مهندس بیروز جهودی - مهندس اخوان - مهندس کسرائی - مهندس جلالی - مهندس صائی مهندس رضایی

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) بنابراین با این پیشنهاد رأی میگیریم خانمها و آقایانیکه موافقت میکنند میمانند قیام فرمائید (اکثر برخاستند) تصویب شد.

۳ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - چون وقت گذشته است با احتیاط خانمها و آقایان جلسه ختم می کنیم دیباچه بحث در لایحه متمم بودجه سال ۵۵ ساعت ۵ بعد از ظهر امروز من کول میشود این ساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد.

رئیس - مجلس شورای ملی - **مهندس عبدالله رضایی**